

Comparing the Translations of Speech Acts in Maryam Surah (Based on the Translations of Ghomeshi, Fouladvand, Khorramshahi, Saffarzadeh, and Makarem Shirazi)

Soudabeh Ebrahimi Fahraji 

M. A. in Arabic Translation,
University of Kashan, Isfahan, Iran

Rohollah Sayadi Nezhad* 

Associate Professor, Department of
Arabic Language and Literature,
University of Kashan, Isfahan, Iran

Ali Najafi Ivaki 

Associate Professor, Department of
Arabic Language and Literature,
University of Kashan, Isfahan, Iran

Abstract




Language is a translation of imagination and mental concepts, so the connection between language and translation is an irrefutable fact. Applicability as a subbranch of morphology studies examines some of the speeches inside context. Speech act is one of the most important applicability concepts, which is somehow related to discourse analysis since discourse is a series of speech acts. Because of the importance of this topic, writers want to compare the translation of speech acts in Maryam Surah based on translations of 5 different translators, Ghomeshi, Khorramshahi, Fouladvand, Saffarzadeh and Makarem Shirazi by a descriptive-analytic method. One of the results of this research is that translators did well in translating direct speech act like direct and true imperative action and promissory act, but in the translation of declarative, emotional, persuasive, and especially interrogative actions, which sometimes deviate from their original meaning due to rhetorical reasons, they performed poorly and in some cases did not even convey the meaning to the reader and just paid attention to the syntactic structure of the verse. The other result is that these translations didn't pay attention to the context and important elements in speech like speaker, audience and message and time, and place and also didn't use important ways of transmitting speech act, especially indirect speech acts such as punctuation marks and some syntactical and musical norms of the Qur'an.

Keywords: Speech Act, Translation, Pragmatics, Surah Maryam.

* Corresponding Author: saiiadi57@gmail.com

How to Cite: Ebrahimi Fahraji, S., Sayadi Nezhad, R., Najafi Ivaki, A. (2022). Comparing the Translations of Speech Acts in Maryam Surah (Based on the Translations of Ghomeshi, Fouladvand, Khorramshahi, Saffarzadeh, and Makarem Shirazi). *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*, 12(26), 105-134. doi: 10.22054/RCTALL.2021.60802.1559

همسنجی ترجمه کنش‌های گفتاری سورهٔ مریم (با تکیه بر ترجمه‌های الهی‌قمشه‌ای، فولادوند، خرماهی، صفارزاده و مکارم‌شیرازی)

- سودابه ابراهیمی فهرجی  کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران
- روح‌الله صیادی‌نژاد*  دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران
- علی نجفی ایوکی  دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران

چکیده

زبان در اصل ترجمه‌ای از تصورات و مفاهیم ذهنی انسان است؛ بنابراین، ارتباط بین زبان و ترجمه، حقیقتی انکارناپذیر است. کاربردشناسی به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های زبان‌شناسی به بررسی پاره‌گفتارها در درون بافت می‌پردازد. کنش گفتاری از مهم‌ترین مفاهیم کاربردشناسی است که به نوعی به تحلیل گفتمان مربوط می‌شود؛ از آن روی که گفتمان، سلسله‌ای از کنش‌های گفتاری است. در پرتو اهمیت مسأله، نگارندگان در این جستار بر آنند تا با در پیش گرفتن روش تحلیل گفتمان و با تکیه بر ترجمه‌های پنج مترجم همچون الهی‌قمشه‌ای، خرماهی، فولادوند، صفارزاده و مکارم‌شیرازی از قرآن کریم به همسنجی ترجمه کنش‌های گفتاری در سورهٔ مریم بپردازند. از نتایج تحقیق این است که مترجمان در ترجمهٔ کنش‌های گفتاری مستقیم، مانند کنش‌های امری حقیقی و کنش‌های اعلامی و تعهدی درست عمل کرده‌اند، اما در ترجمهٔ کنش‌های اظهاری، عاطفی، ترغیبی و به ویژه استفهامی که گاهی به دلایل بلاغی از معنای اصلی خود خارج می‌شوند، ضعیف عمل کرده و در مواردی حتی مفهوم را به ذهن مخاطب منتقل نکرده‌اند و تنها به ترجمهٔ تحت‌اللفظی بسنده کرده و بیشتر توجهشان به ساختار نحوی آیه بوده است. دیگر اینکه در فرآیند ترجمه به ترجمهٔ بافت‌محور و به عناصر مهم در گفتمان از جمله عنصر متکلم، مخاطب و پیام مورد هدف متکلم، عنصر زمان و مکان، اهمیت نداده و از شیوه‌های مؤثر در رساندن مفهوم کنش‌های گفتاری، خصوصاً کنش‌های گفتاری غیرمستقیم مانند علائم سجاوندی و بعضی از هنجارهای نحوی و موسیقایی قرآن، بهره نبرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: کنش گفتاری، ترجمه، کاربردشناسی، سورهٔ مریم.

مقدمه

زبان در اصل ترجمه‌ای از تصورات و مفاهیم ذهنی انسان است؛ بنابراین، ارتباط زبان و ترجمه، حقیقتی انکارناپذیر است. با نگاهی کلی می‌توان پژوهش‌هایی که در حوزه ترجمه انجام شده است در دو گروه بزرگ تقسیم کرد: نخست؛ ترجمه‌هایی که با نگاه فرمالیستی صورت پذیرفته است. مترجم در این سطح با توجه به چهارچوب نظام بسته زبانی دست به ترجمه می‌زند. این مترجمان به خاطر نگاه لاهوتی و مجردی که به متن قرآن دارند، قادر نیستند ترجمه‌ای رسا و پویا از این متن شریف ارائه دهند، چراکه با این دیدگاه مکانیسم معنا شکافی و معنایی از متن قرآن به خوبی انجام نمی‌پذیرد و مترجم قادر به ارائه ترجمه‌ای شسته رفته و خواندنی و دقیق نیست. دوم، مترجمینی که با نگاه گفتمانی به ترجمه روی می‌آورند. اینان علاوه بر جنبه‌های مختلف بافت به مطالعه ارتباط میان صورت‌های زبانی و کاربران آن نیز می‌پردازند (بلج، ۲۰۰۸: ۳۷). در حقیقت این دست از مترجمان باید همه عناصر، لوازم و شرایطی را که در تولید و ایجاد یک متن دخیلند -مثل عناصر شخصی (فرستنده^۱ و گیرنده^۲)، زمان^۳، مکان، نوع پیام^۴- فرادید خویش قرار دهد تا بتواند معنا را بی‌کم و کاست به زبان مقصد منتقل کنند.

بافت و سیاق، سنگ زیربنا در معناشناسی و زبان‌شناسی اجتماعی است و این نشان‌دهنده اهمیت این مسأله در دریافت معنای حقیقی و معنای مطمح نظر گوینده متن است. بنابراین، مترجم نه تنها به کلمات و جملات قبل و بعد باید توجه داشته باشد، بلکه نگاهش از متن و فرامتن را نباید دور بدارد.

۱. «فرستنده» در زبان عربی از آن با عنوانی چون «مرسل» و «ملقی» یاد می‌شود. باورها و اعتقادات «فرستنده» از جمله پارادایم‌های معنا ساز متن هستند. از آنجا که مترجم به منزله پدید آورنده اصلی متن است؛ بنابراین، باید تمامی شرایط و احوال گوینده و فرستنده را در متن فراهم آورد.

۲. «گیرنده» در زبان عربی از آن با عنوان «متلقى» و «مرسل‌لیه» یاد می‌شود. گیرنده متن هنگام تولید گفتمان باید در ذهن فرستنده و مترجم حاضر باشد. این گیرنده است که به گوینده و مترجم نحوه انتخاب استراتژی‌های گفتمان اعطاء می‌کند.

۳. با توجه به اینکه هر پیامی در یک بستر زمانی خاصی ایجاد می‌شود؛ بنابراین، هر مترجمی باید سبک ترجمه خود را متناسب با آن بستر زمانی فراهم آورد.

۴. مترجم باید به بار عاطفی، رسمی، سیاسی، اجتماعی و یا فرهنگی پیام توجه داشته باشد.

برای آنکه مترجمین در تفسیر بافت موقعیتی دچار تعدد نگاه نشوند باید هم به بافت زبانی و هم به بافت غیرزبانی اهتمام داشته باشند. برای تبیین این موضوع به این سخن ابن انباری تمسک می‌جوئیم که می‌گوید: «کلام عرب همدیگر را تصحیح می‌نمایند. آغازش با فرجامش در ارتباط است. دستیابی به معنای گفتمان صرفاً از طریق استیفای تمامی حروف حاصل می‌شود» (محامدیه، ۲۰۱۳: ۴۹). برای تبیین هر چه بیشتر این مسأله به این آیه ۴، سوره فیل توجه کنید: ﴿تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سَجِيلٍ﴾ در این آیه ۱۱ بار از کسره استفاده شده است تا شکست سپاهیان ابرهه برای مخاطبین تصویرسازی شود. تکواژه‌های آیه ۴ از همخوان «م» و «ن» خالی نیست. «م» و «ن» جزو حروف خیشومی و غنه است. حروف خیشومی با توجه به بافت؛ یا معنای عزت می‌دهد و یا معنای ذلت و خواری. چنان که در تعابیر عرب آمده است: «فلان شامخ الأنف» یعنی فلانی با مناعت است. «فلان أرغم أنفه» یعنی فلانی پوزه‌اش را به خاک مالید. در اینجا با توجه به بافت زبانی به این دریافت می‌رسیم که خداوند با ارسال پرندگان و پرتاب کلوخ سفت شده، شکست سختی بر سپاهیان ابرهه تحمیل کرد.

یکی از موضوعاتی که در تحلیل گفتمان مطرح می‌شود «کنش گفتار» یا «کارگفت» است که فیلسوفان زبان‌شناسی همچون آستین^۱ (۱۹۶۰) و سرل^۲ (۱۹۳۲) با توجه به بُعد ارتباطی زبان آن را مطرح کرده‌اند.

قرآن به عنوان یک متن تأثیرگذار آکنده از «کنش‌های گفتاری» است. با نگاهی به ترجمه موجود قرآن در خواهیم یافت که برخی از مترجمان به دلیل آنکه خواسته‌اند به اصطلاح ترجمه‌ای «امین و وفادار به متن» ارائه دهند، نتوانسته‌اند معانی ضمنی برخی از آیات قرآن را به مخاطب و خواننده قرآن منتقل کنند. در پرتو اهمیت مسأله، نگارندگان در این مقاله به دنبال آنند که با در پیش گرفتن روش تحلیل گفتمان به بررسی ترجمه کنش‌های گفتاری سوره «مریم» با تکیه بر ترجمه‌های رایج الهی‌قمشه‌ای، فولادوند، مکارم‌شیرازی، خرمشاهی و صفارزاده پردازند تا میزان موفقیت هر یک از این مترجمان در کنش‌های گفتاری را نشان دهند.

در این جستار از میان ترجمه‌های رایج قرآن کریم، مترجمینی انتخاب شده‌اند که سبک ترجمه آن‌ها با یکدیگر متفاوت است؛ به عنوان مثال، فولادوند ترجمه‌ای هنگین ارائه می‌دهد

1. Austin, J.

2. Searle, J.

و سبک ترجمه وی تحت‌اللفظی - ارتباطی است. سبک ترجمه صفارزاده ساده است و خرمشاهی سعی‌اش بر آن است که ترجمه‌ای معادل به خواننده با حفظ بافت زبان مبدأ ارائه دهد. مضاف بر آن، نگارندگان دست به انتخاب مترجمینی زده‌اند که ترجمه آنان در یک بازه تاریخی نسبتاً طولانی به زیور چاپ آراسته شده است؛ به عنوان مثال، الهی‌قمشه‌ای جزو قدیمی‌ترین مترجم‌ها است و خرمشاهی و صفارزاده در زمره مترجمین جدید.

سؤال‌هایی که در این پژوهش در پی پاسخ به آن‌ها هستیم به قرار زیر است:

- چگونه می‌توان کنش‌های گفتاری قرآن را با حفظ زیبایی کلام الهی و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های فرهنگی موجود ترجمه کرد؟

- بُعد و فاصله زمانی میان مترجمان چه تأثیری در ترجمه کنش‌های گفتاری دارد؟

- کدام‌یک از مترجمان مورد مطالعه، مخاطب محورترند؟

در راستای پرسش‌های مذکور سه فرضیه به شرح زیر مطرح شده است:

- با در نظر گرفتن بافت و شرایطی که آیات تحت تأثیر آن‌ها نازل شده‌اند، می‌توان ترجمه‌ای مناسب و رسا از آیات دارای کنش‌های گفتاری ارائه داد.

- ترجمه‌هایی که در فاصله زمانی دورتری نسبت به زمان کنونی انجام پذیرفته از تعدیلات زبانی بیشتری برخوردار است.

الهی‌قمشه‌ای و مکارم‌شیرازی به دلیل اینکه مبلغ مذهبی بوده‌اند، اساساً به زبان عامه مردم تمایل بیشتری داشته‌اند و در سرتاسر ترجمه، مخاطبین خود را از نظر دور نداشته‌اند.

۱. پیشینه پژوهش

با نگاهی به پایگاه‌های علمی د می‌یابیم که پژوهش‌هایی با تکیه بر نظریه کنش‌های گفتاری به سراغ متون دینی رفته است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

ساجدی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن» به تبیین کاربرد کنش‌های گفتاری گزاره‌های دینی پرداخته است. وی اشتباهات برخی دین‌پژوهان غربی در بُعد اخباری گزاره‌های دینی و واقع‌نمایی گزاره‌های اخباری و انشایی دینی را بیان کرده است.

عباسی (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی کنش‌های گفتاری در ترجمه جزء سی قرآن کریم براساس نظریه آستین و سرل پرداخته است. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، ترجمه محمدرضا صفوی است. دستاورد تحقیق بیانگر آن است که بسامد کنش‌های گفتاری ترجمه

آیات جزء سی قرآن کریم یکسان نیست. در ترجمه آیات جزء سی، «کنش ترغیبی» بیشترین کاربرد (۳۸/۵ درصد) و «کنش تعهدی» کمترین (۸/۵ درصد) کاربرد را دارد. «کنش اعلامی» (۳۸ درصد) و «کنش عاطفی» (۱۵ درصد) دیگر کنش‌ها را تشکیل می‌دهند. نوری‌زاده (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به بررسی کنش‌های گفتار در ترجمه سوره‌های یاسین و الرحمن براساس نظریه کنش گفتار آستین و سرل پرداخته است. این پژوهش با هدف شناخت توان فرهنگی و زبانی در ترجمه متون فارسی و انگلیسی به عنوان متن مبدأ و مقصد برای کنش‌های گفتار در این سوره‌ها صورت گرفته است. با نگاهی به پژوهش‌های یادشده درمی‌یابیم که عباسی و نوری‌زاده پا به عرصه گفتمان کاوی و ترجمه گذاشته‌اند، اما پیکره‌جستار پیش‌رو متفاوت از پیکره این دو پژوهش است.

پیش از ورود به اصل موضوع، بایسته است که معنا و مفهوم «کنش گفتاری» برای خوانندگان تشریح شود تا ابعاد موضوع برای خوانندگان بیشتر تبیین شود.

۲. کاربردشناسی^۱ و کنش گفتار^۲

کاربردشناسی یا منظورشناسی که در زبان عربی با اصطلاحات مختلفی نظیر «التداولیة»، «البراجماتیة»، «البراجماتیة»، «النفعیة» و «الذرائعیة» شناخته می‌شود، یک مفهوم چندجانبه و چندشاخه است که فراتر از مطالعات معنایی است و رابطه عناصر زبانی را نسبت به بافت و موقعیت آن‌ها بررسی می‌کند.

یول (۱۹۴۷) کاربردشناسی را «مطالعه ارتباط میان صورت‌های زبانی و کاربران آن‌ها» می‌داند. کاربردشناسی در دهه ۷۰ قرن بیستم بود که توسط فیلسوفان زبان‌شناس دانشگاه آکسفورد از جمله «آستین» و «سرل» توسعه یافت. این دو فیلسوف زبان‌شناس به مفهوم توانش ارتباطی در برابر توانش زبانی پرداختند و به بعد ارتباطی زبان نظر داشتند (ن. ک: صلح‌جو، ۱۳۷۷: ۱۱).

1. Pragmatics
2. Speech Act

کنش گفتار که معادل آن در زبان عربی «الأفعال الكلامية» و «الأفعال الإنجازية» است از جمله موضوعاتی است که در حوزه کاربرد شناسی زبان مورد بحث قرار می‌گیرد تا آنجا که عنوان «کاربردشناسی کوچک» را بر آن اطلاق کرده‌اند (صحراوی، ۲۰۰۸: ۴۰).

آستین برخلاف ویتگنشتاین^۱ که کارکرد زبان را توصیف جهان پیرامون انسان می‌داند به این دریافت رسید که زبان علاوه بر توصیف واقعیت‌های جهان، کارکردهای مختلفی دارد که وی نام بازی‌های زبانی^۲ را بر آن‌ها اطلاق کرد و هر کاربردی از آن را یک بازی نامید؛ زیرا زبان دارای قوانینی است که توسط کاربران وضع شده است؛ همان‌طور که بازیکنان در یک بازی طبق قوانین آن بازی می‌کنند (بغوره، ۲۰۰۹: ۱۰۵). آستین اثبات کرد که در کنار جملات توصیفی، جمله‌هایی وجود دارد که هدف از آن‌ها توصیف وقایع خارج نیست؛ مانند این جملات که به شما توصیه می‌شود نصف مالت را برای خیریه بگذار یا زمانی که عاقدی، عقد یک زوج را اعلام می‌دارد، یا زمانی که از دوستان تشکر می‌کنید. شما با بیان این دست از جمله‌ها در حقیقت یک کاری انجام داده‌اید (نحله، ۲۰۰۶: ۶۲). آستین، سخنانی که منجر به انجام عملی می‌شوند و قابل صدق و کذب نیستند را «کنش گفتاری» نام نهاد (طباطبایی، ۱۹۹۴: ۶).

پژوهش حکایت از این دارد که «آستین» نتوانست نظریه واحد و یکپارچه‌ای درباره کنش‌های گفتاری ارائه دهد. نظر وی از کفایت لازم برخوردار نبود و بر پایه یک روش واضح و مشخص بنا نهاده نشده بود و میان افعال و معنای آن‌ها نوعی تعارض و دوگانگی دیده می‌شد (نحله، ۲۰۰۶: ۶۲). تا اینکه شاگرد وی «سرل» کنش‌های گفتاری را به پنج دسته تقسیم کرد:

۱- کنش اظهاری: در این نوع کنش فرد آنچه را در جهان واقع روی می‌دهد، بیان و نظر خویش را درباره صحت آن اعلام می‌کند. به عنوان مثال، وقتی شخص الف به شخص ب اظهار می‌دارد که شخص ج به اُپرا رفته در حقیقت عقیده‌اش را مبنی بر اینکه ج به اُپرا رفته است، بیان می‌کند (ر. ک: حجی الصراف، ۲۰۱۰: ۲۰۵).

۲- کنش ترغیبی: گوینده با استفاده از این کنش از شنونده می‌خواهد کاری را انجام دهد. همچنین این کنش گاهی در قالب درخواست‌ها صورت می‌پذیرد.

1. Wittgenstein
2. Language games

۳- کنش تعهدی: در این کنش گوینده خود را متعهد می‌کند کاری انجام دهد و بدین منظور گاهی از افعال کنشی مرتبط به قول دادن، سوگند یاد کردن بهره می‌گیرد.

۴- کنش عاطفی: در این کنش گوینده احساسات خویش را در برابر وقوع رویدادها بیان می‌کند. این کنش بیانگر حالت روحی روانی گوینده است.

۵- کنش اعلامی: گوینده با بهره‌گیری از این کنش شرایط جدیدی را به مخاطب اعلام می‌کند. پس از آنکه این شرایط اعلام می‌شود، تغییرات خاصی در جهان واقع روی می‌دهد. سرل با توجه به صریح و ضمنی بودن سخنان، مبحث کنش‌های گفتاری مستقیم و غیرمستقیم را پیش می‌کشد؛ اگر مقصود و منظور متکلم از ظاهر سخنان دریافت شود، کنش گفتاری مستقیم بر آن اطلاق می‌شود، اما آن دسته از سخنانی که منظور گوینده از صریح جمله فهمیده نمی‌شود و به تأویل و تفسیر نیاز دارد، کنش گفتاری غیرمستقیم نامیده می‌شود؛ مانند سخنانی که به شکل استعاری یا کنایی بیان می‌شود (نحله، ۲۰۰۶: ۹۸).

زبان‌شناسان بر این باورند که انسان‌ها در برقراری ارتباط با دیگران بیشتر از کنش‌های گفتاری غیر مستقیم استفاده می‌کنند تا کنش‌های گفتاری مستقیم (همان: ۸۳)، چراکه کنش‌های گفتاری مستقیم در هر موقعیتی، معنای منظور شده از آن‌ها صریح است، اما کنش‌های غیرمستقیم تنها به وسیله بافت است که معنا و مقصود آن فهمیده می‌شود.

اهداف کنش‌های گفتاری غیرمستقیم تنها با فرآیند استدلال ذهنی پیچیده حاصل می‌شود، اما کنش‌های گفتاری مستقیم از طریق صورت ظاهری کلام قابل درکند و نیازی به استدلال ندارند (حجی‌الصراف، ۲۰۱۰: ۹۸-۹۹). بی‌گمان کنش‌های گفتاری مستقیم در قضایای حقوقی و دعاوی کاربرد دارد، چرا که به کار گرفتن کنش‌های گفتاری غیرمستقیم منجر به سردرگمی و درنهایت از بین رفتن حق و حقوق انسان‌ها می‌شود.

۳. بافت موقعیتی سورهٔ مریم و بررسی ترجمهٔ کنش‌های گفتاری آن

سورهٔ مریم نوزدهمین سوره در جزء شانزدهم قرآن جای دارد. این سورهٔ مکی از نظر محتوا دارای چندین بخش است؛ پس از آیهٔ اول که حروف مقطعه است با داستان حضرت زکریا (ع) و دعای او برای فرزنددار شدن آغاز شده است (آیات ۱۵-۲)، سپس داستان بارداری حضرت مریم و چگونگی وضع حمل ایشان بیان شده است (آیات ۴۰-۱۶). آیات بعدی سوره، داستان پیامبران و مواجهه مردم با ایشان است (آیات ۶۰-۴۱). ترسیم بهشت به مثابه

پاداش بندگان پرهیزگار، تبیین مستدل رستاخیز و برانگیخته شدن قطعی و حتمی پارسایان و تبه‌کاران در قیامت و پاداش و عذاب اخروی آن‌ها در آیات بعدی بیان شده است (آیات ۶۹-۶۰). آخرین آیات این سوره مربوط به بشارت خداوند به یاری پیامبران اسلام و اشاره به سرانجام و سرنوشت هلاکت بار کافران است (آیات ۹۸-۹۷).

برای آنکه به شکل نظام‌مندتر و روشمندتری به بررسی کنش‌های گفتاری در این سوره و نقد و بررسی ترجمه مترجمان از کنش‌های گفتاری موجود در این سوره مبارکه پردازیم باید همه عناصر و مؤلفه‌های شکل‌گیری یک گفتمان که از آن با عنوان کاربردشناسی بزرگ یاد می‌شود در نظر بگیریم آنگاه به نقد و بررسی ترجمه کنش‌های گفتاری موجود در آیات اقدام کرد. ملاک و معیار دسته‌بندی کنش‌های گفتاری موجود در این سوره، همان تقسیم‌بندی «سرل» است.

۳-۱. کنش‌های ترغیبی

همچنان که در قبل گفته شد در این نوع کنش، مخاطب جهت انجام کاری ترغیب می‌شود و برای تکلیف یا اجبار انجام عملی قرار می‌گیرد. گوینده تلاش می‌کند، کاری کند که چیزی انجام شود و جهان را با محتوای گزاره‌ای که دربرگیرنده عمل آتی شنونده است، تطبق دهد (حجی الصراف، ۲۰۱۰: ۶۲). در اینجا نمونه‌هایی از کنش‌های گفتاری ترغیبی سوره مریم بیان شده و سپس به نقد و بررسی ترجمه مترجمان پرداخته می‌شود.

آیه ۲: ﴿ذِكْرُ رَحْمَةِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكْرِياً﴾

الهی‌قمشه‌ای- در این آیات پروردگار تو از رحمتش بر بنده خاص خود زکریا سخن می‌گوید.

خرمشاهی- این بیان رحمت پروردگارت در حق بنده‌اش زکریاست.

فولادوند- [این] یادی از رحمت پروردگار تو [درباره] بنده‌اش زکریاست

صفارزاده- (ای پیامبر) این یک یادآوری است از رحمت آفریدگار- پروردگار تو نسبت به زکریا بنده برگزیده خداوند

مکارم‌شیرازی- این یادی است از رحمت پروردگار تو نسبت به بنده‌اش زکریا.

همسنجی ترجمه‌ها: گفته‌پرداز در این آیه، خداوند متعال و گفته‌یاب پیامبر بزرگ اسلام است. هر چند ظاهر آیه کنش‌گفتاری مستقیم و خبری است، اما خداوند با کنش‌گفتاری غیرمستقیم، پیامبرش را به یادآوری داستان زندگی زکریا امر می‌کند. برخی از مفسرین «ذکر» را در معنای «أذکر» گرفته‌اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۸-۱۶) و برخی مصدر «ذکر» را جانشین فعل امر «ذکر» می‌دانند (زمخشری، ۲۰۰۹: ۶۳۱). با توجه به اینکه آیه ماقبل آن از حروف مقطعه (کهیصص^۱) است، نظر ابن عاشور و زمخشری به صواب نزدیک‌تر است. بنابراین، برای رساندن مفهوم این آیه در ذهن مخاطب لازم است آن را به صورت امر ترجمه کرد، اما هیچ‌یک از پنج ترجمه بالا به معنای ضمنی آیه که خطاب امرگونه از طرف خداوند به پیامبرش است، اشاره نکرده‌اند. قمشه‌ای آن را به صورت مضارع استمراری و سایر مترجمان به صورت مصدری ترجمه کرده‌اند؛ بنابراین، در رساندن مفهوم ضمنی آیه موفق عمل نکرده‌اند.

مترجمان برای انتقال هر چه رساتر پیام، خودشان را در چهار چوب متن آیه اسیر نکرده و هر کدام کم و زیاد تعدیلاتی به متن داشته‌اند. «ذکر رحمة ربک» - که متضمن کنش‌گفتاری است - مکارم‌شیرازی، صفارزاده، فولادوند و خرمشاهی در ترجمه خود تک‌واژه «این» گنجانده‌اند. از این جهت نمی‌توان بر آنان خرده گرفت که چرا ترجمه آنان عیناً اصل نیست؟ در جواب باید گفت که هیچ ترجمه‌ای بدون تعدیلات زبانی انجام شدنی نیست و هیچ ترجمه‌ای عیناً اصل نیست.

ترجمه پیشنهادی: ای پیامبر، بخشایش و رحمت پروردگارت در حق بنده‌اش زکریا را یادآوری کن.

آیه ۸: ﴿قَالَ رَبُّنِي يُكُونُ لِي غُلَامًا وَكَانَتْ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا﴾
 الهی قمشه‌ای - زکریا (از فرط شوق و شکفتی و برای حصول اطمینان) عرض کرد: الهی، مرا از کجا پسری تواند بود در صورتی که زوجه من نازاست و من هم از شدت پیری خشک و فرتوت شده‌ام؟! فرتوت شده‌ام؟!!

فولادوند - گفت: پروردگارا، چگونه مرا پسری خواهد بود و حال آنکه زنم نازاست و من از سالخوردگی ناتوان شده‌ام؟

۱. حروف مقطعه، رمزی است میان خدا و پیامبر اکرم است.

مکارم شیرازی - گفت: پروردگارا! چگونه فرزندی برای من خواهد بود در حالی که همسرم نازا است و من نیز از پیری افتاده شده‌ام؟!
خرمشاهی - گفت پروردگارا چگونه مرا پسری باشد، حال آنکه همسرم نازا است و خود نیز از پیری به فرتوتی و فرسودگی رسیده‌ام.
صفا زاده - زکریا عرض کرد: «ای آفریدگار - پروردگار من! چگونه من می‌توانم صاحب پسری باشم، در حالی که زنم نازاست و من از شدت پیری فرتوت شده‌ام؟»

همسنجی ترجمه‌ها: در آیه (۸)، گوینده حضرت زکریا است و مخاطب وی خداوند باری تعالی است. نوع پیامی که قرار است منتقل شود تعجب زکریا از بشارتی است که خداوند از فرزنددار شدنش به او می‌دهد که در قالب کنش‌گفتاری استفهامی آمده است. برخی از مفسران، استفهام زکریا را دلالت بر تعجب ایشان و دلالت بر شکرگزاری وی از این هدیه گران‌بهای خداوند دانسته‌اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۴-۱۶). علامه طباطبائی معتقد است که این پرسش زکریا از یک سو بر اظهار تعجب او از وعده الهی دلالت دارد و از سوی دیگر نشان می‌دهد که او در صدد آن است که از حقیقت این وعده و کیفیت تحقق آن آگاه شود تا به اطمینان قلبی برسد. د. ت: ج ۱۴، ۳۸

بنابر آنچه گفته شد تمامی مترجمان در ترجمه کنش غیرمستقیم آیه که همان اظهار تعجب و شگفتی زکریا از فرزنددار شدن زن نازایش است، موفق بوده‌اند. از میان آنان، الهی‌قمشه ای با آوردن جمله «از فرط شوق و شگفتی و برای حصول اطمینان» در داخل پرانتز در انتقال پیام به مخاطب توفیق بیشتری نسبت به دیگر مترجمین داشته است و ترجمه وی پخته‌تر و آماده‌تر به نظر می‌رسد. ممکن است در اینجا به ترجمه الهی‌قمشه‌ای خرده گرفته شود که وی اصل «کمیت^۱» گرایس^۲ را در ایجاد ارتباط نادیده گرفته است. در دفاع از الهی‌قمشه ای می‌توان دلایل عدیده‌ای اقامه داشت: اول اینکه ترجمه در ذات خود، انتقالی تعدیلی شده است. دوم اینکه هیچ ترجمه لفظ به لفظی قادر به انتقال تمام پیام و مفهوم نیست. سوم اینکه الهی‌قمشه‌ای جزو پیشقراولان نهضت ترجمه قرآنی در دوره معاصر است. معمولاً ترجمه‌هایی که در فاصله زمانی بیشتری نسبت به زمان کنونی انجام شده، تعدیلات بیشتری

۱. این اصل می‌گوید: در ارتباط و مکالمه با دیگران تنها اطلاعات مفیدی که لازم است را به اشتراک بگذارید (صیادی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۴۱)

در آن‌ها انجام شده است. در این زمینه صلح‌جو (۱۳۷۷) آورده است: عامل زمان را در تعیین حد و حدود تعدیل نمی‌توان از نظر دور داشت؛ «تعدیلاتی که چهل سال پیش در ترجمه‌ای شده با معیارهای کنونی بسیار زیاد به نظر خواهد آمد، همچنان که اگر کسی فرضاً بتواند از زمان جلو بیفتد و تعدیلات ترجمه‌ای فرضی متعلق به سی سال بعد را اندازه‌گیری کند از میزان کم تعدیلات در آن بسیار تعجب خواهد کرد. متن‌های ترجمه‌ای سی سال بعد کلماتی خواهند داشت که اکنون بدون تعدیل نمی‌توان آنها را ترجمه کرد، اما در آینده می‌توان بنا بر آنچه در فوق گفته شد، می‌توان ادعا کرد ترجمه‌های امروزی نسبت به ترجمه‌های قدیمی‌تر دارای تعدیلات کمتری هستند، چرا که در عصر جهانی شدن، زبان‌ها و صورت‌های زبانی مدام به یکدیگر نزدیک و نزدیک‌تر می‌شوند. در پرتو این مهم است که انگل^۱ می‌گوید: «دنیا همچون نارنج پلاستیده‌ای، چروک می‌خورد و کوچک می‌شود و تمام مردم از فرهنگ‌های گوناگون به یکدیگر نزدیک و نزدیک‌تر می‌شوند» (صلح‌جو، ۱۳۷۷: ۹۲).

آیه ۶۶: ﴿وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِتْ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا﴾

الهی‌قمشه‌ای - و انسان (بیچاره در امر معاد شک کند و) گوید: آیا چون من بمیرم باز به زودی مرا از قبر بیرون آورده و زنده خواهند کرد؟!

خرمشاهی - و انسان [منکر] گوید آیا چون مردم به‌زودی زنده برانگیخته خواهم شد؟

فولادوند - و انسان می‌گوید آیا وقتی بمیرم راستی زنده [از قبر] بیرون آورده می‌شوم؟

صفارزاده - شخص کفرپیشه می‌گوید: «آیا پس از مرگ، دوباره زنده از قبر بیرون می‌آیم؟»

مکارم‌شیرازی - انسان می‌گوید: آیا پس از مردن در آینده زنده (از قبر) بیرون خواهم آمد؟

همسنجی ترجمه‌ها: سرل، استفهام را جزوی از افعال توجیه می‌داند؛ در حالی که فاندربلیج^۲

(۱۹۸۰) آن را یک کنش‌گفتاری جداگانه به حساب می‌آورد (بلخیر، ۲۰۱۳: ۱۷۳).

کنش‌گفتاری در سرتاسر این پاره‌گفت، بیانگر انکار، شک و تردید انسان در برانگیخته و

زنده شدن پس از مرگ است؛ فعل «يقول» در معنای «یظن» یعنی شک و گمان به کار رفته

است. گفته‌پرداز برای بیان برانگیخته و زنده شدن پس از مرگ - «أءذا ما مت» - از اصوات

1. Angel, G.

2. Lidge, F.

«مد» و فتحه بهره گرفته است. بنابراین، لایه‌های معنایی این آیه متشکل از «استفهام»، «شک» و «انکار» است.

الهی‌قمشه‌ای با آوردن کلمه شک کردن در داخل پُرانتز به گونه‌ای به معنای ضمنی آیه اشاره کرده، اما به معنای انکار معاد هیچ اشاره‌ای نکرده است. خرمشاهی با افزودن صفت منکر برای انسان در داخل پُرانتز به کنش گفتاری غیرمستقیم این آیه که همان انکار است، اشاره کرده است. این مترجم با کمک گرفتن از نشانه سجاوندی (؟) در پایان جمله، توانسته است غرض استفهام را در پیام خود بگنجانند.

در ترجمه فولادوند و مکارم شیرازی، معنا و مفهوم «منکر» دیده نمی‌شود. این دو مترجم نتوانسته‌اند پیام را به طور کامل به خواننده منتقل کنند. صفارزاده با گنجاندن تکواژه «کفرپیشه» در ترجمه خود به معنای ضمنی «منکر» نزدیک شده است، اما معنای تعجب در ترجمه وی دیده نمی‌شود و از نشانه سجاوندی (!) برای انتقال این پیام بهره نگرفته است تا بتواند ترجمه خود را اثرگذارتر کند.

هر پنج مترجم، تعدیلاتی در ترجمه‌های خود داشته‌اند که برخی از آن تعدیلات در پُرانتز گذاشته شده و برخی خیر. اگر بخواهیم یکی از این پنج ترجمه را انتخاب کنیم، نگارندگان مقاله بنا بر این نظر ناید^۱ (۲۰۱۱) - که می‌گوید: ترجمه باید طوری باشد که بر خواننده ترجمه همان تأثیر را بگذارد که متن اصلی بر خواننده زبان اصلی گذاشته است (صلح‌جو، ۱۳۷۷: ۷۴) - ترجمه الهی‌قمشه‌ای را بر دیگر ترجمه‌ها ترجیح می‌دهند.

ترجمه پیشنهادی: انسان منکر از روی شک و تردید می‌گوید: آیا پس از مرگ، دوباره زنده از قبر بیرون آورده خواهیم شد؟!

آیه ۵: ﴿وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا﴾

الهی‌قمشه‌ای - و من از این وارثان کنونی (که پسرعموهای من هستند) برای پس از خود بیمناکم (مبادا که پس از من در مال و مقامم خلف صالح نباشند و راه باطل پویند) و زوجه من هم نازا و عقیم است، تو از لطف خاص خود فرزندی به من عطا فرما. خرمشاهی - و من پس از خویش از وارثان بیمناکم و همسرم نازا است، پس از پیشگاه خود به من وارثی عطا فرما.

1. Nida, E.

فولادوند- و من پس از خویشتن از بستگانم بیمناکم و زخم نازاست پس از جانب خود ولی
[و جانشینی] به من ببخش.

صفارزاده- «و از خویشاوندانم در بیم هستم (که نتوانند بعد از مرگم به جای من به خدمات
الهی ادامه دهند) زخم نازاست، پس به کرم و لطف خودت وارثی و جانشینی به من عنایت
فرما».

مکارم شیرازی- و من از بستگانم بعد از خودم بیمناکم (که حق پاسداری از آئین تو را نگاه
ندارند) و همسرم نازا است، تو به قدرتت جانشینی به من ببخش

همسنجی ترجمه‌ها: گفته‌پرداز در این آیه حضرت زکریاست و خطاب کلام وی به
خداوند است. در این آیه چون امر از دانی به عالی است، فعل امر «هب» دارای کنش گفتاری
غیرمستقیم بوده که همان «دعا» است. اصوات و آوای به کار رفته در این آیه به خوبی مؤید
این گفته است. زکریا برای بیان شکایت از درد و مصیبت خود از کسره که دلالت بر انکسار
و «آ» که تداعی بخش معنای آه و ناله است در واژگانی نظیر «ورائی»، «الموالی»، «کانت»،
«امرأتی»، «عاقرا»، «لی» و «ولیا» بهره جسته است. همچنین زکریا از خداوند می‌خواهد لطف
و کرمش را شامل حال او کند و به او فرزندی عطا فرماید؛ این لطف و کرم از کلمه «لدن»
مشخص می‌شود. «لدن» به معنای خلق و خوی نرم، لطیف و خوشخوی (معلوف، ۱۳۸۷:
۱۶۶۹) است. اینجا با توجه به سیاق آیه معنای «لطفم از آن مورد توجه است، چراکه غرض
از امر، دعاست.

الهی‌قمشه‌ای و صفارزاده با آوردن کلمه «لطف» در ترجمه خود به معنای ضمنی آن
اشاره کرده‌اند و در تعادل ترجمه‌ای موفق‌تر بوده‌اند، اما خرمشاهی آن را به «پیشگاه» و
فولادوند به «جانب خود» ترجمه کرده‌اند؛ یعنی معنای غیرهسته‌ای آن را در نظر گرفته‌اند؛
پس در رساندن معنای دعا ناقص عمل کرده‌اند. مکارم شیرازی آن را به «قدرت» ترجمه کرده
است که بیشتر اشاره به قادر و توانا بودن خداوند دارد، اما لطف او را نمی‌رساند و می‌توان
گفت در رساندن معنای ضمنی کنش گفتاری ضعیف عمل کرده است.

ترجمه پیشنهادی: من از وارثان کنونی برای پس از خود بیمناک و همسرم هم نازاست، تو
از لطف خاص خود فرزندی به من عطا فرما.

در نگاه کلی و پس از همسنجی نمونه‌ها می‌توان چنین برداشت کرد که ترجمه الهی‌قمشه‌ای، مکارم‌شیرازی و صفارزاده بیش از دیگر ترجمه‌ها زیر بار توضیح رفته است. اصولاً این سه مترجم نسبت به سایر مترجمان مورد مطالعه، بیشتر مخاطب‌گرا هستند و فهم متن از سوی مخاطب برایشان اهمیت بیشتری دارد. دیگر آنکه مترجمانی که در کسوت مبلغ دینی هستند نظیر الهی‌قمشه‌ای و مکارم‌شیرازی به زبان عامه مردم تمایل بیشتری دارند از این رو در ترجمه «پیام» را بر «صورت» و «فرم» ترجیح می‌دهند.

۲-۳. کنش‌های تعهدی

کنش تعهدی، کنشی است که گوینده خود را نسبت به انجام عملی در آینده متعهد می‌داند (Searle, 2006: 14) مانند: قسم خوردن، قول دادن، تعهد دادن، ثابت کردن و... بررسی و همسنجی ترجمه‌ها القاگر این امر است که مترجمان در ترجمه بسیاری از این کنش‌ها موفق بوده‌اند، اما در برخی از موارد توفیق چندانی نداشته‌اند که به چند مورد آن‌ها پرداخته می‌شود.

آیه ۷۹: ﴿كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا﴾

الهی‌قمشه‌ای - هرگز چنین نیست، ما البته آنچه گوید خواهیم نوشت و سخت بر عذابش خواهیم افزود.

خرمشاهی - چنین نیست، گفته‌اش را باز می‌نویسیم و به عذاب او می‌افزاییم.
فولادوند - نه چنین است به زودی آنچه را می‌گوید می‌نویسیم و عذاب را برای او خواهیم افزود.

صفارزاده - چنین نیست! ما حرف‌های او را در پرونده‌اش ثبت خواهیم کرد و (به کیفر دروغ‌هایش) عذاب ما بر او شدیداً افزوده خواهد شد.

مکارم‌شیرازی - هرگز چنین نیست ما به زودی آنچه را او می‌گوید می‌نویسیم، و عذاب را بر او مستمر خواهیم داشت!

همسنجی ترجمه‌ها: گفت‌پرداز در این آیه مبارک؛ خداوند متعال است و خطاب سخن به «عاصی بن وائل» است. خداوند در این آیه به کفر عاصی بن وائل پاسخ می‌دهد و او را به امتداد و زیادی در عذابش وعده می‌دهد (طباطبایی، د. ت: ۱۴، ۱۷۵). وعده به عذابی مستمر و پایدار، کنش‌گفتاری غیرمستقیمی است که از فعل «سنکتب» دریافت می‌شود. مصوت

کشیده «آ» در کلماتی نظیر «کلا، ما، العذاب، مدا و ما» بیانگر استمرار خشم خداوند است. از نظر معناشناختی کنش‌گفتاری «مد» به معنای «جَرَ شَيْءٍ فِي طَوْلٍ وَ اتِّصَالَ شَيْءٍ بِشَيْءٍ فِي اسْتِطَالَةٍ» به معنای چیزی را توسط چیزی دیگر کشیدن و متصل کردن است (بندرریگی، ۱۳۸۷: ۲، ۱۷۶۲-۱۷۶۳). بنابراین تفسیر، می‌توان دریافت که در این آیه وعده به استمرار عذاب سخت است و نه شدت عذاب. همانطور که مشاهده می‌کنیم تنها مکارم‌شیرازی به استمرار عذاب اشاره کرده و سایر مترجمان به افزودن عذاب اشاره داشته‌اند. بنابراین، مکارم توانسته است ترجمه‌ای محکم‌پسندتری ارائه دهد.

ترجمه پیشنهادی: هرگز چنین نیست! ما حرف‌های او را ثبت و در قیامت عذابی سخت را بر او مستمر خواهیم کرد.

آیه ۵۹: ﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيَا﴾
 الهی‌قمشه‌ای - سپس جانشین آن مردم خداپرست قومی شدند که نماز را ضایع گذارده و شهوت‌های نفس را پیروی کردند و این‌ها به‌زودی کیفر گمراهی را خواهند دید.
 خرماشاهی - ولی پس از آنان جانشینان ناخلفی بازماندند که نماز را فرو گذاشتند و از شهوات پیروی کردند و زودا که با زیان و ذلت رودررو شوند.
 فولادوند - آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوس‌ها پیروی کردند و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید.
 صفارزاده - اما بعد، فرزندان ناخلفی جانشین آن‌ها شدند که ترک نماز کردند و از شهوات پیروی نمودند پس آن‌ها به زودی سزای گمراهی خود را خواهند دید.
 مکارم‌شیرازی - اما بعد از آن‌ها فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را ضایع کردند و پیروی از شهوات نمودند و به‌زودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید.

همسنجی ترجمه‌ها: در این آیه خطاب خداوند به گمراهان است. خداوند ملت‌های بعد از آدم، نوح و ابراهیم را به سبب گمراهی‌شان و عبادت بت‌ها و ترک عبادت خداوند به عقابی وعده می‌دهد. کنش غیرمستقیم در عبارت «فسوف یلقون غیا» برای تهدید کردن و وعده عذاب به امت‌هایی است که به سبب گمراهی، پرستش بت‌ها و ترک عبادت پروردگار

به این سرنوشت دچار خواهند شد. بنابراین، ترجمه به شکل آینده برای ابلاغ پیام آیه لازم است که مترجمان نیز به همین شکل ترجمه کرده‌اند.

آیه ۶۸: ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًا﴾

الهی قمشه‌ای - قسم به خدای تو که البته آن‌ها را با شیاطین در قیامت محشور می‌گردانیم، آنگاه همه را احضار خواهیم کرد تا گرد آتش جهنم به زانو درآیند. خرمشاهی - سوگند به پروردگارت که آنان و شیاطین را گرد می‌آوریم سپس همه‌شان را پیرامون جهنم به زانو درافتاده حاضر می‌گردانیم.

فولادوند - پس به پروردگارت سوگند که آن‌ها را با شیاطین محشور خواهیم ساخت سپس درحالی که به زانو درآمده‌اند آنان را گرداگرد دوزخ حاضر خواهیم کرد. صفار زاده - (ای پیامبر) سوگند به آفریدگار - پروردگارت که محققا کافران را همراه با شیاطین محشور خواهیم فرمود بعد هم آن‌ها را درحالی که به زانو درآمده‌اند دورتادور جهنم حاضر خواهیم کرد.

مکارم شیرازی - سوگند به پروردگارت که همه آن‌ها را همراه با شیاطین محشور می‌کنیم، بعد همه را گرداگرد جهنم درحالی که به زانو درآمده‌اند حاضر می‌سازیم!

همسنجی ترجمه‌ها: «قسم» از کنش‌های گفتاری تعهدی است که متکلم به انجام فعلی در آینده تعهد می‌دهد. بافت موقعیتی آیه حکایت از آن دارد که ضمیر «هم» در «لنحشرونهم» به کافران برمی‌گردد. در ترجمه شایسته‌تر است که به خود واژه کافران به جای ضمیر (هم) اشاره می‌شد. همانطور که مشاهده می‌شود تنها صفارزاده آن را به کافران ترجمه کرده است و سایر مترجمان آن را به صورت ضمیر ترجمه کرده‌اند.

۳-۳. کنش‌های اظهاری

در کنش اظهاری، فرد آنچه را در جهان واقع روی می‌دهد، بیان و نظر خویش را درباره صحت آن اعلام می‌کند. در ذیل به تناسب مجال چند آیه که دربردارنده کنش اظهاری است، آورده می‌شود و به همسنجی ترجمه‌ها پرداخته می‌شود.

آیه ۴: ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا﴾

الهی قمشه‌ای - عرض کرد که پروردگارا، استخوان من سست گشت و فروغ پیری بر سرم بتافت و با وجود این من از دعا به درگاه کرم تو خود را هرگز محروم ندانسته‌ام. خرمشاهی - گفت پروردگارا استخوانم سستی گرفته و برف پیری بر سرم نشسته است، و پروردگارا هرگز در دعای تو سخت دل نبوده‌ام. فولادوند - گفت پروردگارا من استخوانم سست گردیده و [موی] سرم از پیری سپید گشته و ای پروردگار من هرگز در دعای تو ناامید نبوده‌ام. صفارزاده - (و عرض کرد:) آفریدگار - پروردگارا من در اثر پیری استخوان‌هایم سست شده و موی سرم سفید گشته و هرگز دعای مرا بی نصیب نفرموده‌ای. مکارم شیرازی - گفت پروردگارا! استخوانم سست شده و شعله پیری تمام سرم را فرا گرفته و من هرگز در دعای تو از اجابت محروم نمی‌شدم.

همسنجی ترجمه‌ها: گوینده این سخن حضرت ذکریا و مخاطب آن خداوند باری تعالی است؛ ذکریا در مناجات با پروردگارش او را از حالتی که به او رسیده است، با خبر می‌کند که استخوان‌هایم ضعیف و موی سرم سفید شده است. کنش اظهاری این آیه به توصیف شرایط جسمانی ذکریا می‌پردازد. حضرت ذکریا از کنش گفتاری غیر مستقیم و با استفاده از کنایه برای بیان ناتوانی و ضعف ناشی از پیری و خوردسالگی بهره می‌جوید. «سستی استخوان‌ها و سفیدی موی سر، هردو کنایه از پیریست که ذکریا از آن رنج می‌برد» (قطب، ۱۹۸۳: ۲۳۰۲).

کنایات به عنوان بخشی از زبان و فرهنگ نقش بسزایی در برقراری ارتباطات ایفا می‌کنند و از آنجا که یکی از اهداف ترجمه، ایجاد ارتقای ارتباط بین فرهنگ‌ها است، نادیده گرفتن جنبه‌های فرهنگی متون در ترجمه، ممکن است موجب کاهش ارزش‌های علمی و فرهنگی و در نتیجه کاهش رساندن مفهوم کنش‌های گفتاری غیر مستقیم شود.

مترجمان در ترجمه کنایه اول - وَهْنَ الْعَظْمِ مَنِی - یعنی «سستی استخوان» خوب عمل کرده‌اند، چون در دو زبان مبدأ و مقصد مطابقت شکلی و مفهومی دارد، اما در ترجمه کنایه دوم - وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا - یعنی پیر شدن، فولادوند و صفارزاده توفیق بیشتری داشته‌اند و با شم زبانی ما بیشتر جور در می‌آید. الهی قمشه ای برخلاف رویه معمول خود در ترجمه که مخاطبین خود را انسان‌های عادی و معمول در نظر می‌گرفت در ترجمه این آیه همانند

خرمشاهی ترجمه ادبی آورده و در ترجمه تعبیر کنایی «اشتعل الرأس شيبا» از واژگان غیرهسته‌ای استفاده کرده است.

ترجمه پیشنهادی: زکریا این چنین در برابر پروردگارش اظهار ضعف می‌کند، می‌گوید: پروردگارا! من در اثر پیری استخوانم سست و موی سرم سفید شده، درحالی که تو هیچ‌گاه مرا از امیدت ناامید نکرده‌ای.

آیه ۷: ﴿زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا﴾

الهی قمشه‌ای - ای زکریا همانا تو را به فرزندی که نامش یحیی است و از این پیش همنام و همانندش (در تقوا) نیافریدیم بشارت می‌دهیم.

خرمشاهی - فرمود ای زکریا ما تو را به پسری که نامش یحیی است و تاکنون همنامی برایش قرار نداده‌ایم، مژده می‌دهیم.

فولادوند - ای زکریا ما تو را به پسری که نامش یحیی است، مژده می‌دهیم که قبلاً همنامی برای او قرار نداده‌ایم.

صفارزاده - خداوند فرمود: «ای زکریا! ما تو را به پسری که نام او یحیی است مژده می‌دهیم، پیش‌ازین فردی به این نام، به پیامبری مبعوث نفرموده‌ایم».

مکارم شیرازی - ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می‌دهیم که نامش یحیی است، پسری همنامش پیش‌ازین نبوده است.

همسنجی ترجمه‌ها: گفته‌پرداز در این آیه، خداوند است و گفته‌یاب حضرت زکریاست. در اینجا زکریا وعده فرزنددار شدن را از خداوند دریافت می‌کند. خداوند در این آیه، خبر از به دنیا آمدن کودک می‌دهد و سپس برای آنکه اراده خویش را برای نام‌گذاری به زکریا اعلام بدارد، می‌گوید: «نام این فرزند یحیی است». ظاهر این عبارت، خبری است؛ یعنی کنش بیانی و مستقیم آن نشانگر خبری بودن آن است، اما کنش غیرمستقیم (فراگفتاری، فرایبانی) آن امری است. در این آیه، کنش غیرمستقیم، اطمینان نسبت به اجرای فرمان است و اینکه زکریا حق ندارد نام دیگری برای این فرزند انتخاب کند. در واقع، در آیه فوق چون خداوند متعال از به دنیا آمدن فرزند اطمینان دارد و می‌داند که این اتفاق روی خواهد داد و به این نکته آگاه و اطمینان کامل دارد که دستورش از سوی مخاطب اجرا می‌شود، از این روش برای امر کردن استفاده می‌کند.

در ترجمه این آیه تمامی مترجمان آن را به صورت خبری ترجمه کرده‌اند و در انتقال این مفهوم به شکلی ناقص عمل کرده‌اند. ترجمه پیشنهادی: ای زکریا ما تو را به پسری بشارت و فرمان می‌دهیم، اسم او را یحیی بگذار که قبل از او همنام او را قرار نداده‌ایم.

۳-۴. کنش‌های عاطفی

کنش عاطفی بیان حالت روانی گوینده درباره‌ی اوضاع و شرایطی است که در محتوای گزاره‌ای مشخص شده است. این کنش در تبریک گفتن، سپاس‌گزاری کردن، عذرخواهی کردن، تمجید کردن، اظهار تأسف کردن و ... استفاده می‌شود. در ذیل مواردی از این کنش -ها آورده می‌شود.

آیه ۱۸: ﴿قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا﴾

الهی‌قمش‌های -مریم گفت: من از تو پناه به خدای رحمان می‌برم اگر مرد پرهیزکاری هستی. خرمشاهی - [مریم] گفت من از تو اگر پرهیزگار باشی به خدای رحمان پناه می‌برم. فولادوند - [مریم] گفت اگر پرهیزگاری من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم. صفارزاده - مریم گفت: از تو به الرحمن پناه می‌برم، (نزدیک نیا) اگر خداترس هستی. مکارم‌شیرازی - او (سخت ترسید و) گفت من به خدای رحمان از تو پناه می‌برم اگر پرهیزگار هستی.

همسنجی ترجمه‌ها: گفته‌پرداز در این آیه حضرت مریم است. «وقتی مریم، جبرئیل را به شکل انسان ناآشنایی می‌بیند، خطاب به او می‌گوید: به خداوند رحمان پناه می‌برم و با این کنش گفتاری اظهاری، او را از هرگونه تعرض، هشدار می‌دهد و به ترس وامی‌دارد. سپس با جمله شرطی در آخر آیه، شدت این ترس و هشدار را برای او بیشتر می‌کند» (طوسی، بی‌تا). «در این آیه جواب شرط، مقدم شده است؛ زیرا مریم بلافاصله بعد از رویارویی با فرستاده الهی و قبل از بیان شرط، جواب شرط یعنی پناه بردن به خدای رحمان را مطرح می‌کند که حکایت از ترس و اضطراب او دارد» (زمخشری، ۲۰۰۹: ۶۳۸).

براساس دستور زبان فارسی اگر بافت و سیاق جمله ایجاب کند، بند پایه می‌تواند پیش از بند شرطی به کار رود (وحیدیان کامیار، ۱۳۶۴: ۴۴). بنابراین، برای تاکید بر مفهوم کنش گفتاری غیرمستقیم در این آیه که همان تحذیر، هشدار، ترس و اضطراب است، بهتر آن است که اول بند پایه ترجمه شود بعد بند شرطی.

با نگاهی گذرا به ترجمه‌ها به این دریافت می‌رسیم که خرمشاهی و فولادوند جمله را براساس ساختار معمول؛ یعنی ابتدا به ترجمه جمله شرط و سپس به ترجمه جواب آن پرداخته‌اند و این از زیبایی و بار معنایی کنش گفتاری غیرمستقیم کاسته است. هرچند ترجمه‌های آن دو درست به نظر می‌رسد، اما برای بازگفتن معانی به بیانی روشن تر باید بند پایه و شرط را جابه‌جا کرد. الیه‌قمشه‌ای و صفارزاده آن را براساس سازمان بلاغی متن آیه ترجمه کرده‌اند تا مفهوم و پیام ترس و اضطراب را به رسایی هر چه بیشتر بیان کنند. مکارم‌شیرازی نه تنها به جنبه بلاغی آیه و تاکید بر مفهوم ترس اشاره داشته، بلکه با آوردن قید «سخت» در داخل پرانتز در انتقال مفهوم کنش گفتاری غیرمستقیم موفق تر عمل کرده‌اند؛ بنابراین، ترجمه ایشان به تعادل ترجمه‌ای نزدیک تر به نظر می‌رسد.

ترجمه پیشنهادی: مریم از شدت ترس گفت: من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم اگر خدا ترس هستی.

آیه ۲۳: ﴿فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا﴾
 الهی‌قمشه‌ای - آن‌گاه درد زاییدن او را به کنار درخت خرمایی کشانید (و از شدت حزن و اندوه با خود) گفت: ای کاش من از این پیش مرده بودم و از صفحه عالم به کلی نامم فراموش شده بود.

خرمشاهی - آنگاه درد زایمان او را به پناه تنه درخت خرمایی کشانید گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و از یاد رفته بودم و فراموش شده بودم.
 فولادوند - تا درد زایمان او را به سوی تنه درخت خرمایی کشانید گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم.
 صفارزاده - آنگاه درد زایمان او را به کنار درختی کشانید (که به آن تکیه کند) درحالی که می‌گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و به کلی از اذهان مردم فراموش شده بودم.

مکارم شیرازی - درد وضع حمل او را به کنار تنه درخت خرمایی کشاند، (آن قدر ناراحت شد که) گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و به کلی فراموش شده بودم.

همسنجی ترجمه‌ها: وقتی مریم روز ولادت فرزندش فرارسید، ناراحت بود و آرزوی مرگ می‌کرد؛ طوری که مرگ را بر خود راحت تر می‌دید. با وجود اینکه ولادت حضرت عیسی معجزه بود، اما او از پاسخ به قومش هراسان و ناراحت بود (طباطبایی، د.ت: ۱۴، ۸۲). معنی صریح کنش گفتاری در این آیه، تمنی است در حالی که غرض اصلی آن بیان حزن حضرت مریم است. الهی‌قمشه‌ای و مکارم شیرازی با گنجاندن کلمه ناراحتی و حزن در داخل پُرانتز به مفهوم کنش گفتاری غیرمستقیم آن اشاره کرده‌اند. هر چند خرمشاهی و فولادوند ترجمه لفظ به لفظ را در پیش گرفته‌اند، اما نتوانسته‌اند معنای دقیق را به خواننده منتقل کنند و پر کردن خلأهای درون مطلب را به خود خواننده واگذار کرده‌اند.

آیه ۸۹: ﴿لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدَا﴾

الهی‌قمشه‌ای - (ای کافران) همانا شما سخنی بسیار زشت و منکر بر زبان آوردید.

خرمشاهی - به راستی که ادعای شگرفی پیش آوردید.

فولادوند - واقعاً چیز زشتی را [بر زبان] آوردید.

صفارزاده - شما مشرکان چه حرف زشت و سخیفی می‌زنید.

مکارم شیرازی - چه سخن زشت و زننده‌ای آوردید.

همسنجی ترجمه‌ها: گفته پرداز در اینجا خداوند است و مخاطب وی کافران و مشرکان هستند. این آیه متضمن کنش گفتاری اظهاری خبری است که مقصود از آن توبیخ کافران است. «خداوند در این آیه از کافران که برای خداوند فرزند قرار می‌دهند، خبر می‌دهد که آن‌ها در کفری بزرگ افتاده‌اند و این خبر برای این است که آن‌ها را توبیخ کند؛ توبیخی صریح بدون هیچ التباسی تا آن‌ها را آگاه کند» (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۶-۳۱). این توبیخ از کلمه «إدا» مشخص می‌شود. الهی‌قمشه‌ای «إدا» را به «سخنی زشت و منکر»، صفارزاده «حرف زشت و سخیف»، مکارم «سخن زشت و زننده»، خرمشاهی «ادعای شگرف» و فولادوند به «چیز زشتی» ترجمه کرده‌اند. به هر روی، با توجه به بافت و سیاق، ترجمه الهی‌قمشه‌ای،

صفارزاده، مکارم و فولادوند بهتر از خرماهی است، چرا که مفهوم کنش گفتاری غیر مستقیم آن که همان توییخ است از ترجمه آنان دریافت می شود.

۳-۵. کنش های اعلامی

این کنش ها شامل کنش هایی هستند که به محض بیان آن ها در جهان بیرون تغییراتی واقعی ایجاد می شود (Searle, 2006: 17). افعال کنش اعلامی مانند: انتصاب کردن، آغاز کردن، پایان دادن، اعلام کردن، نام گذاردن، عقد ازدواج در آوردن و... در ادامه به تناسب مقاله به نمونه ای از آن اشاره می شود.

آیه ۴۸: ﴿وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا﴾ الهی قمشه ای - من از شما و بتانی که به جای خدا می پرستید دوری کرده و خدای یکتایم را می خوانم و امیدوارم که چون او را بخوانم از درگاه لطفش محروم نمانم (و مرا از شر مشرکان حفظ کند).

خرماهی - و از شما و آنچه به جای خداوند می پرستید کناره می کنم و پروردگرم را می خوانم، باشد که در دعای پروردگرم سخت دل نباشم
فولادوند - و از شما و [از] آنچه غیر از خدا می خوانید کناره می گیرم و پروردگرم را می خوانم امیدوارم که در خواندن پروردگرم ناامید نباشم.
صفارزاده - و من از شما و آنچه غیر از خدا می پرستید دوری اختیار می کنم و به خداوند توسل می جویم و امید دارم که دعای من نزد آفریدگرم غیر مقبول نباشد.
مکارم شیرازی - و از شما و آنچه غیر از خدا می خوانید کناره گیری می کنم، و پروردگرم را می خوانم و امیدوارم دعایم در پیشگاه پروردگرم بی پاسخ نماند.

همسنجی ترجمه ها: گوینده سخن در اینجا حضرت ابراهیم و مخاطب او پدر و قومش هستند؛ هنگامی که ابراهیم، پدرش را به ترک بت پرستی و پرستش خداوند دعوت می کرد، پدرش دعوت او را با خشم و تهدید پاسخ داد. ابراهیم نیز اعلام کرد که او از پدر و قومش و بت هایشان دوری می جوید. عبارت «ادعو ربی» این پیام را به قومش اعلام می دارد که نه تنها ابراهیم از آن ها و بت هایشان دوری می جوید، بلکه موقعیت جدیدی از اعتقاد دینی ابراهیم را اعلام می دارد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۶-۵۱). بخش پایانی آیه «عَسَىٰ أَلَا أَكُونَ بِدُعَاءِ

رَبِّي شَقِيًّا...» علاوه بر اینکه استعجاب دعای ابراهیم را به طرز مستقیم اعلام می‌کند با کنش غیرمستقیم و در قالب تعریض نشان می‌دهد که قوم او از دعا در برابر بت‌هایشان به سعادت و نصیبی نمی‌رسند (همان).

ترجمه الهی‌قمشه ای بیش از دیگر مترجمان تن به توضیح داده است و اصل «کمیت» گرایس^۱ را در ایجاد ارتباط نادیده گرفته است و مترجم با انجام تعدیلات زیادتر نسبت به ترجمه دیگر و دستکاری در صورت دست به یک ترجمه پویا^۲ زده است. دیگر مترجمان از قالب صوری متن خارج نشده‌اند و تعدیلات زبانی در ترجمه‌های آنان یا صورت نگرفته است. تطابق صوری^۳ در ترجمه خرمشاهی در این آیه به حد اعلائی خود رسیده است تا آنجا که اگر ترجمه این مترجم را ترجمه معکوس^۴ بنامیم از جاده صواب به دور نمانده‌ایم. نکته دیگر اینکه جز خرمشاهی، سایر مترجمان در ترجمه بخش پایانی آیه «عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا...» «معنای نقشی» را بر «معنای صوری» ترجیح داده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایجی که از همسنجی ترجمه‌های مترجمان مورد مطالعه این جستار حاصل می‌شود به این قرار است: بهترین ترجمه، ترجمه‌ای است که در عین پابندی به متن مبدأ باید بتواند تمام مفاهیم و معانی زبان مبدأ را در قالب زبان مقصد بریزد. با توجه به اینکه نشانه‌گذاری (علایم سجاوندی) در ترجمه، بخشی از معنا و بار هنری آن را حمل می‌کند، مترجم باید برای رساندن مفهوم و حس و حال و لحن موثر کنش‌های گفتاری، خصوصاً کنش‌های گفتاری غیرمستقیم به ذهن مخاطب، آن‌ها را دست کم نگیرد تا در انتقال معنا و رساندن مفهوم اصلی کنش‌های گفتاری به ذهن مخاطب توفیق بیشتری داشته باشد.

از میان مترجمان منتخب این جستار، الهی‌قمشه‌ای، صفارزاده و مکارم‌شیرازی با انجام تعدیلاتی که نه مخل باشد و نه ممل در انتقال پیام توفیق بیشتری داشتند. دیگر اینکه تفاوت‌های فرهنگی قابل ملاحظه و برجسته‌ای در کنش‌های گفتاری حیطه مورد بحث دیده نمی‌شود که منجر به نوعی کژتابی زبانی شود؛ این موضوع شاید ریشه در این مسأله داشته

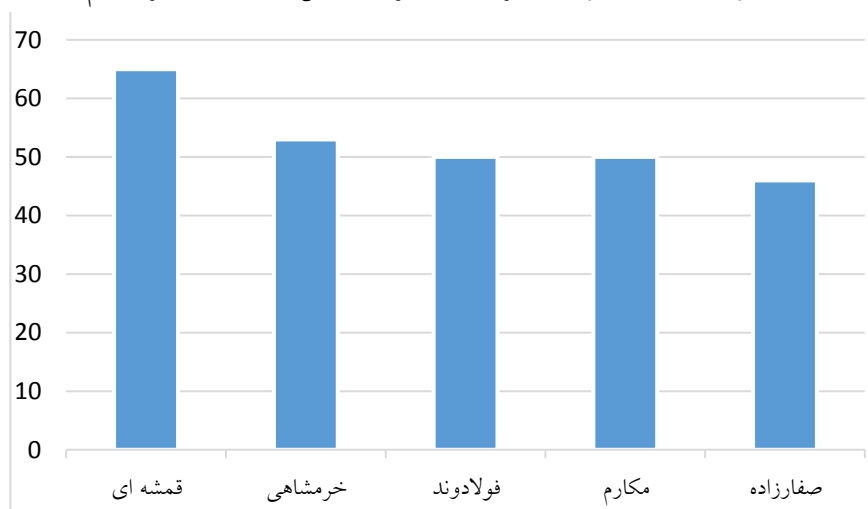
1. Grice, P.
2. Dynamic translation
3. Formal correspondence
4. Back translation

باشد که زبان فارسی و عربی دارای وجوه اشتراکات فرهنگی زیادی هستند و فرم و صورت زبانی‌شان به یکدیگر نزدیک است.

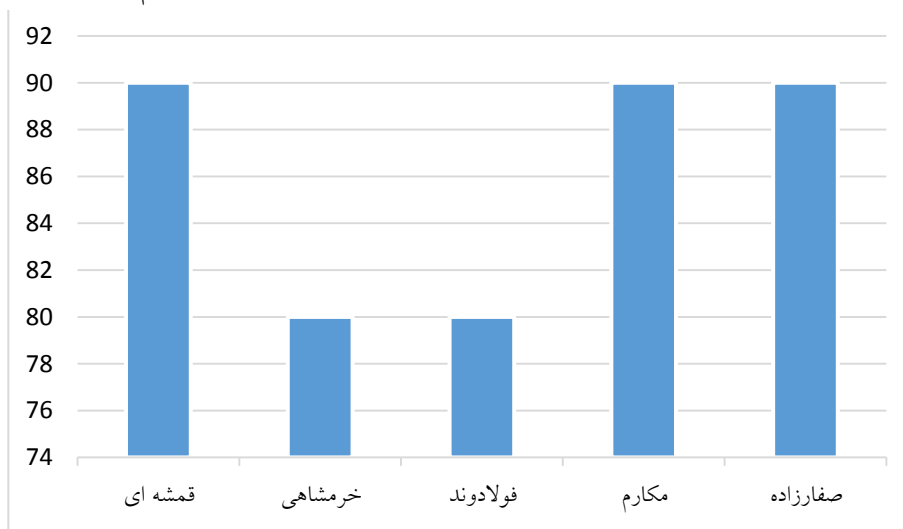
ترجمه‌هایی که در فاصله زمانی دورتری نسبت به زمان کنونی انجام پذیرفته است، دارای تعدیلات زبانی بیشتری هستند؛ ترجمه الهی‌قمشه‌ای چون جزو اولین ترجمه‌های دوره معاصر است در قیاس با سایر ترجمه‌ها، بیشتر تن به توضیح داده است تا آنجا که در برخی از موارد کار وی به شرح نزدیک تر می‌شود تا ترجمه.

مترجمان در ترجمه کنش‌های گفتاری مستقیم مانند کنش‌های امری حقیقی و کنش‌های اعلامی و تعهدی در اکثر موارد صحیح عمل کرده‌اند، اما در ترجمه کنش‌های اظهاری، عاطفی، ترغیبی و خصوصاً استفهامی که گاهی از معنای اصلی خود خارج می‌شوند، ضعیف عمل کرده‌اند و در مواردی حتی مفهوم را به ذهن مخاطب منتقل نکرده‌اند و بیشتر توجهشان به ساختار نحوی آیه بوده است. در میان پنج مترجم، مکارم‌شیرازی و الهی‌قمشه‌ای بیش از سایرین به دلیل اینکه مبلغ مذهبی بوده‌اند، اساساً به زبان عامه مردم تمایل بیشتری داشته‌اند و در سرتاسر ترجمه، مخاطبین خود را از نظر دور نداشته‌اند. الهی‌قمشه‌ای، صفارزاده و مکارم بیش از دیگران ترجمه‌ای بافت‌محور به دست داده‌اند. میزان موفقیت مترجمان به صورت نمودارهای (۱) و (۲) به ترتیب در کنش‌های گفتاری غیرمستقیم و کنش‌های مستقیم است. همچنین نمودار (۳) درصد موفقیت مترجمان در انواع کنش‌های گفتاری را نمایش می‌دهد.

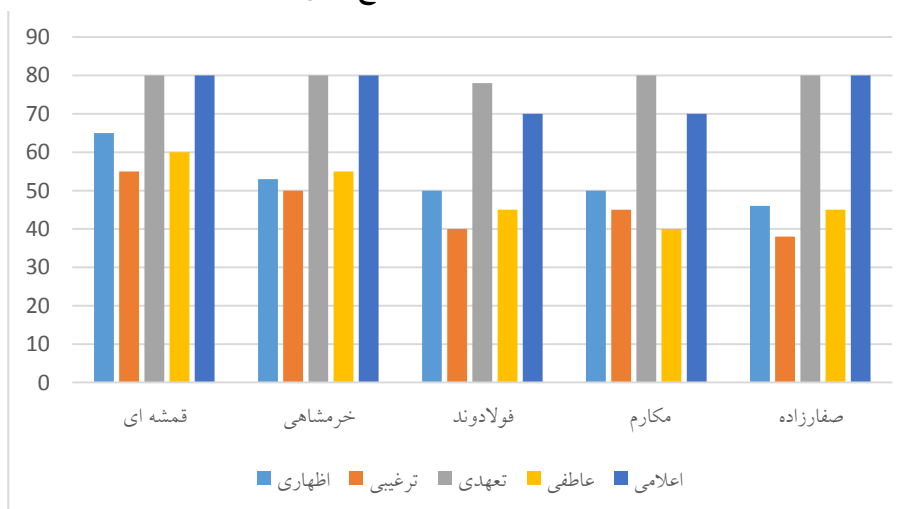
نمودار ۱. درصد موفقیت مترجمان در ترجمه کنش‌های گفتاری غیرمستقیم



نمودار ۲. درصد موفقیت مترجمان در ترجمه کنش‌های گفتاری مستقیم



نمودار ۳. درصد موفقیت مترجمان در انواع کنش‌های گفتاری



براساس بررسی‌های صورت گرفته، الهی‌قمشه‌ای با ۶۵ درصد، خرمشاهی ۵۳ درصد، فولادوند و مکارم ۵۰ درصد و صفارزاده با ۴۶ درصد در ترجمه کنش‌های گفتاری غیرمستقیم و در ترجمه کنش‌های گفتاری مستقیم، الهی‌قمشه‌ای، صفارزاده و مکارم شیرازی

ابراهیمی فهرجی و همکاران | ۱۳۱

با ۹۰ درصد و خرمشاهی و فولادوند با ۸۰ درصد که بیشتر شامل کنش‌های گفتاری امر مستقیم است، موفق عمل کرده‌اند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Soudabeh Ebrahimi  <http://orcid.org/0000-0002-5864-826X>

Fahraji

Rohollah Sayadi Nezhad  <http://orcid.org/0000-0002-9401-9225>

Ali Najafi Ivaki  <http://orcid.org/0000-0002-6212-1823>

منابع

- ابن عاشور، محمد الطاهر. (بی تا). *تفسیر التحرير و التنبیر*. تونس: دارالتونسیة.
- انصاری، مسعود. (۱۳۹۱). *ترجمه تفسیر الکشاف*. تهران: ققنوس.
- بلخیر، عمر. (۲۰۱۳). *مقالات فی التداولیه و الخطاب*. الجزائر: دارالأمل الطباعة و النشر.
- بلیح، العید. (۲۰۰۸). *التداولیه إشکالیات المفاهیم بین السیاقین الغربی و العربی*. الطبعة الأولى، ریاض: دار بلنسیة للطباعة و النشر.
- حجی الصراف، علی محمود. (۲۰۱۰). *الأفعال الإنجازیه فی العربیة المعاصرة دراسة دلالیة و معجم سیاقی*. الطبعة الأولى، القاهرة: مكتبة الآداب.
- الزمخشری، محمود بن عمر (۲۰۰۹). *تفسیر الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*. الطبعة الثالثة، بیروت: دار المعرفة.
- الزواوی، بغورة. (۲۰۰۵). *الفلسفة و اللغة، نقد المنعطف اللغوی فی الفلسفة المعاصرة*. الطبعة بیروت: دارالطبیعة.
- ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۸۱). *نظریه کنش‌های گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن*. قیسات، ۳(۲۵)، ۱۲۲-۱۳۰.
- سرل، جون. (۲۰۰۶). *العقل واللغة والمجتمع (الفلسفة فی العالم الواقعی)*. ترجمه سعید الغانمی. الجزائر: منشورات الإختلاف.

سلطانی، سید علی اصغر و مقدسی‌نیا، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی کنش‌های فراگفتاری در دو نوع متفاوت از فرامین قرآنی و شیوه برخورد مترجمان انگلیسی. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۳(۶)، ۱۹۱-۲۱۷.

صیادی‌نژاد، روح‌الله و حسن‌شاهی، سعیده. (۱۳۹۸). بررسی تلویح گفتار در نمایشنامه «گنجشک گوزپشت» محمد الماغوط. *زبان و ادبیات عربی*، ۱۱(۲)، ۳۵-۵۰.

صحراوی، مسعود. (۲۰۰۵). *التداولیة عند علماء العرب - دراسة تداولیة لظاهرة الأفعال الکامیة فی التراث اللسانی العربی*. بیروت: دارالطلیبة.

_____ (۲۰۰۸). *التداولیة عند العلماء العرب*. الجزائر: دارالتنویر للنشر والتوزیع.

صلح‌جو، علی. (۱۳۷۷). *گفتمان در ترجمه*. تهران: نشر مرکز.

الطباطبایی، طالب سیدهاشم. (۱۹۹۴). *نظریة الأفعال الکلامیة بین فلاسفة اللغة المعاصرین و البلاغیین العرب*. الكويت: مطبوعات جامعة الكويت.

طباطبایی، محمد حسین. (بی‌تا). *تفسیر المیزان*. ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی.

قطب، سید. (۱۹۸۳). *التصویر الفنی فنی القرآن*. قاهره: دار الشروق.

گنتزلر، ادوین. (۱۹۵۱). *نظریه‌های ترجمه در عصر حاضر*. ترجمه: علی صلح‌جو. تهران: هرمس. محامدیة، سمیة. (۲۰۱۳). *دور السیاق فی تحدید الدلالة الوظيفیة*. مذكرة مقدمة لنیل شهادة الماستر فی الآداب و اللغة العربیة. الجزائر: جامعة محمد خیضر بسكرة.

معلوف، لویس. (۲۰۱۳). *المنجد*. ترجمه: محمد بندرریگی. قم: نشر اسلامی.

مکارم‌شیرازی، ناصر. (۱۳۶۷). *تفسیر نمونه*. قم: نشر دارالکتاب الإسلامیة.

نحلة، محمود. (۲۰۰۶). *آفاق جدیدة فی البحث اللغوی المعاصر*. الإسکندریة: دارالمعرفة الجامعیة. وحیدیان، کامیار. (۱۳۶۴). *روش ساده در آموزش عروض*. *مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، ۴(۳)، ۳۶-۳۹.

الهاسمی، احمد. (۱۳۹۳). *جواهر البلاغة*. ترجمه: حسن عرفان. قم: نشر بلاغت.

References

Quran

Ibn-Ashur, M. T. (N. D). *Tafsir al-Tahrir wa'l-Tanwir*. Tunisia: Dar Al-Tunisia.

[In Arabic]

Ansari, M. (2012). *Al-kashshaaf Translate*. Tehran: Cognos Publisher. [In Persian]

- Al-zavavi, B. (2005). *Al-falsafeh & Al-loghah*. Beirut: Dar Al-Taaliah. [In Arabic]
- Belkheir, U. (2013). *Al- Tadavoliah & Al- khetab*. Algeria: Dar Al-Amal. [In Arabic]
- Baleed, E. (2008). *Al- Tadavoliah & Alsiagheiiian*. Alreiaz: Dar Belanseia. [In Arabic]
- Hajji al-Saraf, A.(2010). *Al- Afal Alenjazeieh & Derasa Dellaliieh*. ALghahrreh:Maktabatol Adab. [In Arabic]
- Al.Zamakhshari. M..(2009). *Tafsir Alkashaf*. Beiroot: Dar- Almarefa. [In Arabic]
- Gentzler, E. (1951). *Translation Theories in Today's era*. Translator: Solhjoo Ali. Tehran: Hems Publisher. [In Persian]
- Hashemi, A. (2014). *Javaher Al- belaghah*. Translator: Erfan Hasan. Qom: Belaghat Publisher. [In Persian]
- Mohamedieh, S. (2013). *Dur Al-siaq in Determining the Functional Significance*. Introduction to the Master's Degree in Arabic Literature and Language. Algeria: mohammad khodeir University. [In Arabic]
- Malof, L. (2013). *Al-Monjed*. Translator: Bandarrigi Mohammad. Qom: Islamic Puplicher. [In Persian]
- Makarem Shirazi, M. (1988). *Tafsir Nemooneh*. Qom: Dar Al-kotok Al-Eslamiiah Puplichet. [In Persian]
- Nahleh, M. (2006). *New Horizons in Contemporary Linguistic Research*. Alexandria: Dra Al-maarefah Al-jameiiah. [In Arabic]
- Qutb, S. (1983). *Artistic Photography in the Quran*. Cairo: Dar Al- shorouq. [In Arabic]
- Sajedi, A. (2002). John Austin's Theory of Speech Acts and Understanding the Language of the Qur'an. *Gabasaat*, 3(25), 122-130. [In Persian]
- Serl, J. (2006). *Al- aghl & Loghah & Al-mojtamah*. Saeed Al-ghanemi. Algeria: Al-ekhtelaf Publisher. [In Arabic]
- Soltani, A., Moqadasi nia, M. (2016). Examining Meta-discursive Actions in two Different Types of Quranic Commands and English Translators' Approach. *Quran and Hadith Studies*, 3(6), 191-217. [In Persian]
- Sayadi nejad, R., Hasan Shahi, S. (2019). Investigating Speech Implication in the Play "Goose backed Sparrow" by Mohammad Al-Maghout. *Arabic Language and Literature Magazine*, 11(2), 35-50. [In Persian]
- Sahravi, M. (2005). *The Pragmatics of Arab Scholars - a Pragmatic Study of the Phenomenon of "Communal verbs in the Arabic Linguistic Heritage"*. Beirut: Dar Al-Tahiaah. [In Arabic]
- _____. (2008). *The Pragmatics of Arab Scholars*. Algeria: Dar Al-Tanvir. [In Arabic]

- Solhjoo, A. (1998). *Discourse in Translation*. Tehran: Markaz Publication. [In Persian]
- Tabatabai, T. (1994). *The Theory of Verbal Verbs among Contemporary Philosophers of Language and Arab Rhetoricians*. Kuwait: Kuwait University Publications. [In Persian]
- Tabatabai, M. (No Date). *Tafsir Almizan*. Translator: Saïied Mohammad. Qom: Enteshrat Eslami. [In Persian]
- Vahidiian, K. (1985). A Simple Method in Teaching Prosody. *Persian Language and Literature Development Magazine*, 4(3).36-39. [In Persian]

استناد به این مقاله: ابراهیمی فهرجی، سودابه، صیادی نژاد، روح‌الله، نجفی ایوکی، علی. (۱۴۰۱). همسنجی ترجمه کنش‌های گفتاری سوره مریم (با تکیه بر ترجمه‌های الهی‌قمشه‌ای، فولادوند، خرمشاهی، صفارزاده و مکارم شیرازی). *دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۲(۲۶)، ۱۰۵-۱۳۴. doi: 10.22054/RCTALL.2021.60802.1559



Translation Researches in the Arabic Language and Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.